بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / حب و بغض

# اشاره

در خصوص پیوند میان آحاد جامعه اسلامی و مسلمانان و مؤمنان 2 مفهوم کلیدی در قرآن کریم وجود دارد که به نوعی هر دو مفهوم به بحث محبت و عواطف مشترک اشاره دارند. البته عمیق‌تر از آن به عنوان دو واژه کلیدی این پایه‌های ارتباط و پیوند میان مؤمنان و مسلمانان را تبیین می‌کند که عبارت‌اند از:

# 1. مفهوم اخوت

در این مفهوم اول و مهم که همان آیه **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾**[[1]](#footnote-1)در ذیل آن بعضی از آیات دیگر مرتبط با اخوت هم از تعبیر آیه 103 سوره آل‌عمران استفاده می‌شود. اخوت یک پایه و مبنای ارتباطی جامعه اسلامی را در میان آحاد جامعه اسلامی را تبیین می‌کند و به نحوی به شکل مطابقی یا تضمنی یا التزامی شامل محبت و مودت و عاطفه و دوستی هم هست و گفته شد که همین مفهوم کلیدی پایه مجموعه‌ای از حقوق و وظائف متقابل شده که در روایات به آنان تشریح شده است.

# 2. مفهوم ولایت

مهم‌ترین آیه مربوط به ولایت آیه 71 سوره توبه است؛ بعد از اینکه در آیات قبل درباره منافقین و کفار مطالبی را بیان کرده مانند: **﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض‏﴾** و در جای دیگر در غیر از سوره توبه که در مورد کفار و اولیا بعد از آن آیه شریفه دارد: **﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض‏ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ يُطيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزيزٌ حَكيم﴾‏.[[2]](#footnote-2)**

## جستاری در ولایت

آن فقره کلیدی که دومین مفهوم بنیادی در روابط میان آحاد جامعه اسلامی شمرده شده است، همین فقره است؛ **﴿وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض﴾‏** دو سه آیه دیگر هم داریم که کلیدی‌تر از آن این است، می‌توان نکاتی را در آیه شریفه برشمرد:

1) مفهوم «المومنون و المومنات» که در گذشته بررسی شد.

2) اینجا به طور خاص دو جنس را ذکر کرده است «المومنون و المومنات» در آیه دارد: **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** با شرایطی استظهار کردیم که مؤمنون وقتی که تنها باشد از باب تغلیب است و شامل مؤمنان هم می‌شود و به همین دلیل گفته می‌شد که المومنون و **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** شامل مرد و زن می‌شود و در واقع اخوت عامه میان همه مسلمانان و مؤمنان برقرار می‌کند یا گزارش می‌دهد.

از باب تغلیب گفته می‌شد که مؤمنون مانند **﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا﴾[[3]](#footnote-3)** شامل زن‌ها هم می‌شود، آن استظهار در اینجا به صراحت آمده است؛ یعنی در این ولایت و اخوت متقابل و متبادل به عنوان پایه روابط جامعه اسلامی جنس و جنسیت دخالت ندارد همه در این جهت بنیادی و اساسی که اسلام بر آن تأکید دارد.

3) نکته سوم، عبارت **﴿بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض﴾** است که در این دو کلمه که آمده هیچ ویژگی دیگری جز همین ایمان و اسلام در این امر دخالت ندارد؛ یک امر عام مطلق بی‌رنگ است هم یک اطلاقی را شامل می‌شود؛ چون «بعض» یک مفهوم در واقع بی‌رنگ بی‌قیدوشرط است؛ یعنی به تک‌تک آن‌ها که یک شمول را می‌رساند و کسی که در دایره مؤمنون و مؤمنات قرار گرفت دیگر هیچ قید دیگری مأخوذ نیست و شامل همه می‌شود و هیچ قید دیگری جز همین بعضیت و اینکه در مجموعه مؤمنین و مؤمنات قرار دارد دخالت ندارد و هم اطلاق را و هم شمول را افاده می‌کند و هم اینکه قیود دیگر مانند رنگ و نژاد دخیل در مسئله نیست.

استظهار در آیه اخوت با وضوح بیشتری در این آیه مورد بحث آمده است و کلمه بعض هر کسی را که مسلمان باشد را شامل می‌شود و تمام ویژگی‌هایی که موجب تمایز جامعه اسلامی می‌شود همه ملغی است و آنکه مبنای روابط ولایی می‌شود همین اخوت است.

سؤال: ... .

جواب: آن یک معنای التزامی‌ است و آنچه مستدل می‌‌گوید هر واحدی از این‌ها با واحد دیگر بدون هیچ قید دیگر ولایت دارد؛ یعنی چون هیچ قیدی در بعض نیست یعنی هر یک نفر با یک میلیارد و 700 میلیون دیگر ولایت دارد؛ اگر بگوییم که مؤمنون دایره عام اسلامی را می‌گیرد.

بنابراین، میلیون‌ها رابط ولایی و دوستی با هر معنایی که شود در اینجا مقصود است. میلیون‌ها خط اخوت و ولایت در اینجا برقرار است ولی در این میلیون‌ها خط ولایی و اخوت هیچ قیدی جز ایمان نیست، یعنی همه با هم یک نوع همبستگی دارند که این مدلول التزامی آیه می‌شود.

سؤال: ... .

جواب: در واقع همه شما دارای یک پیوند ولایی و اخوت هستید و کل را مجموعی می‌بینید و اخوه، اگر آن را مجموعی بگیریم و استغراقی نگیریم اما در اینجا یک حالت استغراقی وجود دارد و مشتمل بر میلیون‌ها و میلیاردها رابطه است ولی مستلزم یک چیز مجموعی هم هست و لذا اگر **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** را فرض بگیریم مجموعی باشد که اول یک رابط کلام مجموعی را می‌‌گوید التزامی‌ که تک‌تک اخوه هستند اینجا به عکس است و یک رابطه استغراقی دو به دو را بیان می‌کند که لازمه‌اش یک امر مجموعی است.

این نکته بیانگر تفاوت این دو مورد است. احتمال دیگر اینکه بعضهم به معنای تک و گروه باشد که اگر بعض اعم است هم واحد را می‌‌گیرد و هم مجموعه فرض را می‌‌گیرد که احتمال دیگری است.

درهرحال اگر احتمال بعض را به معنای واحد و تک‌تک بگیریم این یک استغراق ولایت عام را می‌‌گیرد ولی التزاماً یک ولایت مجموعی را هم افاده می‌کند. اگر اعم از واحد یا مجموعه‌ها باشد می‌رساند که مجموعه‌ها می‌توانند یک نوع ولایت جمعی دارند مانند جایی که **﴿طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنين﴾‏** طایفه‌ها را با هم سنجیده است.

### مفهوم ولایت در داستان غدیر

کلیدی‌ترین بحث در آیه کلمه اولیاء است (جمع ولی). در قصه مفهوم ولی در ولایت باید دانست که یک نزاع کلامی جدی هم بین شیعه و سنی وجود دارد و به داستان غدیر و مولی برمی‌گردد و محل اختلاف بنیادی بین مسلمانان است. در داستان غدیر دو مبحث وجود دارد:

1- در اصل داستان غدیر که متواتر است و از استحکام بالایی برخوردار است.

2- **﴿يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرين﴾‏[[4]](#footnote-4)،** این دو آیه‌ای که در سوره مائده آمده است، مربوط به داستان غدیر هستند یا نه؟ البته در حد تواتر است و شبهاتی را هم وارد کرده‌اند. در این بحث مرحوم علامه امینی (**رضوان الله علیه)** در الغدیر نشان دادند که هر دو موضوع در حد تواتر است.

3- بحث دلالی خطبه پیامبر اکرم (ص): **«من کنت مولاه فهذا علی مولاه**» است که به مفهوم کلمه ولی اختلاف شده است. در جلد اول کتاب الغدیر به صورت جامع به این مباحث پرداخته است. در باب مولی اختلاف است که جمعی می‌گویند به معنای دوستی و محبت و علاقه‌های قلبی و امور عامی است که سخن پیامبر اکرم (ص) ناظر بر این ولایت عامه و دوستی و محبت است و آن **«الا الموده فی القربی»** را به همین معنا می‌گیرند. البته محبت به معنای خاص مراد است و همان موده فی القربی است نه موده عامه بین همه. این دیدگاهی است که جمع کثیری از اهل سنت در تحلیل قصه غدیر که به سخن پیامبر اکرم (ص) برمی‌گردد ارائه کرده‌اند. در نقطه مقابل هم تفکر شیعی است که مولویت به معنای مرجعیت فکری و سیاسی و ولایت اجتماعی سیاسی است نه صرف دوستی و محبت.

### سیر معنایی واژه ولایت و تحلیل لغت آن

در مراجعه به لغت در کلمه «ولی» هسته اصلی آن به دو نظر آمده است: بعضی لغت‌ها به معنای «متابعة شیء لشیء» معنا کرده‌اند به حیث که چیزی بین آن‌ها فاصله نباشد و توالی کامل باشد. در این صورت به مفهوم دوم که قرب باشد منتقل شده است و در مفهوم سوم به معنای دوستی و محبت و ارتباط محبت‌آمیز و همیاری بکار رفته است، زیرا در صورت ورود قرب به عالم ذی‌شعور و انسانی در واقع انواعی دارد که یک نوع از آن‌ها درونی، روان‌شناختی و فرهنگی و ... نه قرب جسمی است بلکه قرب معنوی و روحی است لذا ولایت به معنای دوستی و محبت بکار می‌رود. در سطح و مفهوم چهارم آن ولایت به معنای نوعی اختیار دیگری را داشتن و شبه سرپرستی داشتن است و قرب از یک موضع بالاتری است؛ منتها اگر همه را با هم بیاوریم مانند اولیاء بعض؛ یعنی هر کسی از یک منظری نسبت به دیگری یک نوع نظارت دارد.

در سطح و مفهوم پنجم ولایت به معنای سرپرستی و صاحب‌اختیار بودن است و به عبارتی رهبری به معنای ولایت تکوینی و تشریعی خواهد بود و همان اولیائی می‌شود که قرآن می‌فرماید:

**﴿النَّبِيُّ أَوْلى‏ بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى‏ بِبَعْضٍ في‏ كِتابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُهاجِرينَ إِلاَّ أَنْ تَفْعَلُوا إِلى‏ أَوْلِيائِكُمْ مَعْرُوفاً كانَ ذلِكَ فِي الْكِتابِ مَسْطُورا﴾[[5]](#footnote-5)**

در واقع ولایت هر یک از این معانی چهارگانه را می‌تواند داشته باشد. البته آن معنای اول وقتی که در قالب ولی و مولی بیاید دیگر وجه چندانی ندارد حتی قرب هم دیگر چندان وجهی ندارد و معنای اول و دوم مصداقیتی نخواهد داشت.

اما در معانی سوم و چهارم و پنجم یک معنای مشترک لفظی وجود دارد، پس ولایت می‌تواند در معنای سوم به معنای قرب و رابطه عاطفی باشد و در معنای چهارم می تواند به معنای خمیر مایه نظارت و سرپرستی آن باشد و هم می تواند در معنای پنجم به معنای سرپرستی یک طرفه باشد.

## تفاوت معنای 3 و 4 با معنای 5

معنای 3 و 4 با یک ولایت طرفینی و متقابل سازگار است اما در معنای پنجم با معنای تقابل فاصله می‌‌گیرد؛ زیرا مفهوم آن ولایت یک نوع **«الله مولنا و لا مولی لکم»** در اینجا وقتی می‌‌گوید مولی یعنی دیگر او برتری دارد و هر ملاک برتری که مدنظر است که طرفینی نیست. البته تعیین هر از آن‌ها نیاز به قرینه دارد و در قصه غدیر دهها قرینه وجود دارد که مولی در آنجا به معنای پنجم است یعنی سرپرستی و ولایت عامه تامه ممکن است و گاهی کلمه مولی به آن نزدیک‌تر است ولی اشتراک بیشتری دارد و باید قرائن را پیدا نمود، گاهی می‌فرماید: **﴿ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذينَ آمَنُوا وَ أَنَّ الْكافِرينَ لا مَوْلى‏ لَهُمْ﴾[[6]](#footnote-6)** وقتی می گوییم که خدا ولی است آنجا قرائنی وجود دارد که ولایت خدا یک طرفه است و به مفهوم قیمومیت تشریعی و تکوینی مطلقه است. گاهی قرائنی پیدا می‌شود که معنای 3 و 4 را می رساند.

سؤال: ... .

جواب: نخیر، مشترک لفظی قرینه معینه می‌خواهد و در غیر موضوع له قرینه صارفه می‌خواهد در حقیقت و مجاز اما در جایی که چند معنا حالت اشتراک لفظی داشته باشد قرینه معینه می‌خواهد. با این مقدماتی که یک تحلیل لغت‌شناسی بود می‌توان به نکته ششم و یا پنجم که در مفهوم‌شناسی اولیاء است به نظر می‌آید که در جایی که می‌گوید: **﴿بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض﴾‏** ولایت متفاوتی را برقرار می‌کند قطعاً به معنای پنجم نیست، چون معنای پنجم سرپرستی تکوینی و تشریعی است.

بنابراین، این امر متقابل است یعنی این‌ها به هم نزدیک‌اند که یا به معنای چهارم است که به معنای نوعی حق نظارت و شبه سرپرستی یا سرپرستی خفیف متقابل وجود دارد یا اینکه به معنای سوم بدانیم، یعنی پیوند بسیار عمیق و قوی که در آن عواطف مشترک و همکاری و همیاری است.

ترجمه بسیاری از مفسران این‌گونه است: تناسب، همیاری، همکاری و دوستی و گاهی هم ترجمه دو سه معنا با هم آمده است: **﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض﴾‏[[7]](#footnote-7)** زنان و مردان مؤمن برخی با برخی دیگر دارای دوستی و همکاری و همیاری هستند. بین این معانی، معنای یک و دو کنار می‌رود و معنای پنجم هم با قرینه‌ای که گفتیم کنار می‌رود و بین معنای سه و چهار مردد می‌مانیم که بعید با قرینه‌ای درآید معنای چهارم متعین بشود و قرینه آن است که بلافاصله می‌‌فرماید: **﴿يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾[[8]](#footnote-8)** غیر از **﴿یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة﴾**که همان جنبه همیاری است.

سؤال: ... .

جواب: 5 یا 6 بحث برای آن ذکر کرده که این اوصاف برخی از آن‌ها «یقیمون الصلاة» ارتباط با خدا دارند و همه در مناسک مانند نماز اشتراک دارند و همان منشأ پیوند شده است یا **﴿يُطيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ﴾[[9]](#footnote-9)** که تناسب و همیاری را که در دل مفهوم اولیاء است را بیان می‌کند. **﴿يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾** بیان می‌کند که آمیخته‌ای از سرپرستی و نظارت یک طرفه ولایت ولی بر مولی‌علیه آن هم وجود دارد؛ زیرا به‌ویژه با تعبیر امر و نهی همه نسبت به هم از یک منظر، حق اعمال ولایت دارند ولی یک ولایت عامه پخش شده خفیفه است.

## دستاورد مفهوم ولایت

با بررسی دو مفهوم ولایت و اخوت فهمیده می‌شود که ولایت امری بالاتر از اخوت عامه است، یعنی شما از یک اصل اعتقادی سرچشمه می‌گیرید که آن اصل اعتقادی منشأ یک نوع روابط وسیع اجتماعی فرهنگی عاطفی است و در ولایت همه این‌ها هست که به خاطر اصل مشترک محبت و همیاری دارید و نوعی حق نظارت و فرمان دادن به یکدیگر با آن مخلوط می‌شود. در اخوت یک نوع وظائف متقابل دارید و در ولایت حق بالاتری به نام حق نظارت به آن اضافه می‌شود.

سؤال: ... .

جواب: یک اشعاری می‌توان در آن پیدا کرد نه به صرف خود آیه؛ بلکه در روایات موجود است یا 70 حقوقی که بعدها باید بحث شوند منتها آن با روایات و تمهلات می‌شود اما در اولیاء بعد نظارت برجسته‌تر است.

1. - سوره مبارکه حجرات، آیه 10 [↑](#footnote-ref-1)
2. - آیه 71 سوره توبه [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره بقره، آیه 104. [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره مائده، آیه 67. [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره مبارکه احزاب، آیه 6. [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره مبارکه محمد، آیه 11. [↑](#footnote-ref-6)
7. - آیه 71 سوره توبه. [↑](#footnote-ref-7)
8. - آیه 71 سوره توبه. [↑](#footnote-ref-8)
9. - آیه 71 سوره توبه. [↑](#footnote-ref-9)